

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۴۳۹ھ.



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته روابط بین الملل

عنوان پایان نامه:

**سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی  
بررسی مقایسه ای ایران و کره جنوبی**

استاد راهنما: جناب آقای دکتر شیرخانی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر رمضان زاده

نگارش: نسیم واسعی زاده

۱۳۸۹ / ۷ / ۲۵

تیرماه ۱۳۸۹

۱۴۳۶۹۰



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی روابط بین الملل  
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: نسیم سادات واسعی زاده کاشانی

در رشته : روابط بین الملل گرایش :

با عنوان : سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی: بررسی مقایسه ای ایران و کره جنوبی

را در تاریخ : ۱۳۸۹/۴/۲۶

به عدد	به حروف
۱۹،۷۸	نوزده و هفتاد و هشت

با نمره نهایی :

ارزیابی نمود .

علی

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم ( حسب مورد ):	دکتر محمد شیرخانی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر عبدالله رمضانزاده	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور ( یا استاد مشاور دوم )	دکتر ابومحمد عسگرخانی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو	—	—	—	
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر قاسم افتخاری	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .

تقدیم به پدر و مادر عزیزم ...

که آموختن را به من آموختند

## چکیده

تلاش های مختلفی در جهت تبیین علل و ریشه های تفاوت سطح توسعه اقتصادی در دو کشور ایران و کره جنوبی صورت گرفته است اما در هیچ یک به طور خاص نقش سرمایه اجتماعی در این رابطه مورد بررسی قرار نگرفته است. این در حالی است که در سال های اخیر شاهد مطرح شدن نظریه پیوند سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی و توجه ویژه به آن از سوی نهادهای اقتصادی بین المللی بوده ایم. در این پژوهش با بهره گیری از این نظریه بررسی تجربی آن را در مورد دو کشور ایران و کره جنوبی مد نظر قرار داده ایم. اما پیش از آن با بررسی فرضیه های رقیب نشان داده ایم که عواملی چون کمک خارجی و یا برخورداری از آنچه دولت توسعه گرا خوانده می شود نمی تواند شروط کافی برای توسعه باشد. بر اساس نتایج به دست آمده در بخش اصلی این پژوهش که به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی می پردازد، ارتباط معناداری بین پایین بودن سطح کلی سرمایه اجتماعی در ایران شامل بی اعتمادی، وجود فساد اداری- مالی و ضعف مشارکت و شبکه های اجتماعی از یک سو و ناکامی در دستیابی به اهداف توسعه ای کشور از سوی دیگر قابل مشاهده است. در مقابل بالا بودن سطح اعتماد اجتماعی در کره جنوبی در کنار وضعیت مطلوب این کشور از نظر عدم وجود فساد اداری- مالی و سطح نسبتاً قابل قبول مشارکت اجتماعی نقش مثبتی در دستیابی کره به جایگاه ممتاز این کشور از نظر توسعه اقتصادی داشته است.

## پیش گفتار

سزاوار است در اینجا از زحمات اساتید بزرگووارم در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی که هر یک به نحوی در شکل گیری نگرش من به این حوزه مطالعاتی سهیم بوده اند سپاسگزاری کرده و به طور خاص قدردانی خود را نسبت به اساتید ارجمندم جناب آقای دکتر شیرخانی و جناب آقای دکتر رمضان زاده که در طول تدوین و نگارش این مجموعه از راهنمایی ها و مساعدت هایشان بهره مند بودم ابراز دارم.

## فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
طرح مسئله.....	۱
بررسی ادبیات و نظرات موجود.....	۳
هدف پژوهش.....	۱۱
نظرات موجود.....	۱۲
متغیرهای دخیل.....	۱۲
فرضیه ها.....	۱۴
روش آزمون فرضیه ها.....	۱۵
تعریف عملی فرضیه.....	۱۵
پیامد های اثبات فرضیه.....	۲۰
سازماندهی پژوهش.....	۲۱
کلیات.....	۲۳
تعریف مفهوم توسعه اقتصادی.....	۲۴
رویکردهای مختلف به توسعه اقتصادی.....	۲۷
بخش اول: بررسی فرضیه های رقیب.....	۳۲
فصل اول: کمک های خارجی و توسعه اقتصادی.....	۳۳

- ۳۴..... کمک خارجی
- ۳۶..... بهره‌گیری کره جنوبی از کمک خارجی
- ۴۱..... نمونه‌هایی از ناکامی در توسعه به رغم بهره‌مندی از کمک خارجی
- ۴۱..... جمع‌بندی
- ۴۳..... فصل دوم: دولت توسعه‌گرا و توسعه اقتصادی
- ۴۵..... نظریه دولت توسعه‌گرا
- ۴۶..... تعریف دولت توسعه‌گرا
- ۵۲..... کره جنوبی نمونه دولت توسعه‌گرا
- ۵۴..... نقش دولت در اقتصاد ایران
- ۵۵..... نمونه‌هایی از ناکامی توسعه دولت محور
- ۵۸..... جمع‌بندی
- ۶۰..... بخش دوم: سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی
- ۶۱..... کلیات بخش دوم
- ۶۱..... بازگشت رویکرد فرهنگی به توسعه
- ۶۳..... تعریف سرمایه اجتماعی
- ۶۸..... ابعاد سرمایه اجتماعی
- ۷۱..... نظرات مطرح شده در رابطه با پیوند سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی



۸۱.....	اندازه گیری و سنجش سرمایه اجتماعی.....
۸۸.....	فصل اول: سرمایه اجتماعی در ایران .....
۸۹.....	اعتماد اجتماعی.....
۹۱.....	فساد اداری- مالی.....
۹۵.....	جرایم عمومی .....
۹۶.....	نابرابری در آمدی.....
۹۸.....	مشارکت و شبکه های اجتماعی.....
۱۰۱.....	پیوست فصل ۱ .....
۱۰۸.....	فصل دوم: سرمایه اجتماعی در کره جنوبی .....
۱۰۹.....	اعتماد اجتماعی.....
۱۱۵.....	فساد اداری- مالی.....
۱۱۶.....	جرایم عمومی .....
۱۱۶.....	نابرابری در آمدی.....
۱۱۸.....	مشارکت و شبکه های اجتماعی.....
۱۲۰.....	پیوست فصل ۲ .....
۱۲۸.....	فصل سوم: توسعه اقتصادی در ایران و کره جنوبی.....
۱۲۹.....	توسعه اقتصادی در ایران .....
۱۳۱.....	توسعه اقتصادی در کره جنوبی.....

۱۳۴.....مقایسه شاخص های توسعه اقتصادی در ایران و کره جنوبی

۱۳۸.....بخش سوم: جمع بندی

۱۴۴.....پیوست

۱۴۷.....فهرست منابع

### طرح مسئله:

مسئله توسعه کشورهای جنوب، به طور خاص پس از جنگ جهانی دوم تلاش نظری قابل توجهی را به خود معطوف کرده است. از آن زمان تاکنون نظرات متنوعی در ارتباط با عوامل شتابزا یا بازدارنده ی توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف مطرح شده است. خیزش اقتصادی تعدادی از کشورهای جنوب و پیوستن آن ها به جرگه کشورهای صنعتی ضمن ایجاد امیدواری در میان کشورهای جنوب، توجه این کشورها را به مسیر پیموده شده به عنوان راهی متمایز از راهکارهایی که تا پیش از آن به عنوان تنها مسیر توسعه معرفی می شدند جلب کرد. کره جنوبی نمونه ی بارزی از کشورهایی است که توانست ظرف مدت چند دهه به سطح بالایی از توسعه دست یابد.

کره جنوبی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ یکی از عقب افتاده ترین کشورهای آسیا به شمار می رفت. در جنگ جهانی دوم این کشور سیستم اقتصادی مستعمراتی داشت که برای اهداف ژاپن طراحی شده بود. در جنگ دو کره نیز تمام زیر بناهای اقتصادی کره از بین رفت و این کشور کاملاً وابسته به کمک های امریکا شد. اما متعاقب آن، در سال ۱۹۶۲ برنامه های توسعه این کشور با عنوان برنامه های پنج ساله آغاز شد. توسعه صنعتی کره جنوبی بر مبنای گسترش تجارت خارجی، عادی سازی روابط با ژاپن و استراتژی توسعه صادرات پایه گذاری شد. توسعه اقتصادی عمدتاً تحت برنامه های هدایت شده دولتی رهبری و اجرا گردید و این روند ادامه داشت به نحوی که امروز شاهد آنیم که اقتصاد کره جنوبی یازدهمین اقتصاد

بزرگ جهان و سومین اقتصاد بزرگ آسیاست.<sup>۱</sup> در مقابل ایران به رغم بهره مندی از منابع عمده ای چون ذخایر وسیع انرژی، نیروی کار فراوان و... در پیگیری اهداف توسعه با موفقیت های چشمگیری مواجه نبوده است و می توان از ناکامی برنامه های توسعه در ایران یاد کرد.<sup>۲</sup> تولید ناخالص داخلی<sup>۳</sup> سرانه ایران بر اساس قدرت خرید<sup>۴</sup> در سال ۲۰۰۷ برابر با ۱۲,۳۰۰ دلار بوده است. در سال ۲۰۰۶، ۱۸ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می کرده اند. نرخ بیکاری در کشور بر اساس اعلام مقامات دولتی ۱۱ درصد بوده است.<sup>۵</sup> شاخص توسعه انسانی ایران<sup>۶</sup> در گزارش ۲۰۰۷-۲۰۰۸ برنامه توسعه ملل متحد، با کسب عدد ۷۱/۷۵۹، رتبه ی ۹۴ را در میان کشورهای جهان داشته است.<sup>۷</sup> (امید به زندگی در ایران در سال ۲۰۰۶، ۷۱ سال بوده است).<sup>۸</sup>

در مقابل تولید ناخالص داخلی سرانه کره جنوبی بر اساس قدرت خرید در سال ۲۰۰۷، ۲۵ هزار دلار بوده است. در سال ۲۰۰۶، تنها ۲ درصد از جمعیت این کشور زیر خط فقر زندگی می کرده اند و نرخ بیکاری ۳/۲ درصد بوده است.<sup>۹</sup> شاخص توسعه انسانی کره جنوبی در گزارش ۲۰۰۷-۲۰۰۸ برنامه توسعه

<sup>۱</sup> لی گون یانگ، رشد و توسعه اقتصادی در کره جنوبی، ترجمه و تلخیص مرتضی سلطان پور ایبانه، (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶)، ص ۱۱۵.

<sup>۲</sup> غلامعباس مصلی نژاد، آسیب شناسی توسعه اقتصادی در ایران، (تهران: قومس، ۱۳۸۴).

<sup>۳</sup> GDP: Gross Domestic Product

<sup>۴</sup> PPP: Purchasing Power Parity

<sup>۵</sup> Wikipedia. "Economy of Iran". At: <http://en.wikipedia.org/> (Accessed: 2009-12-08)

<sup>۶</sup> HDI: Human Development Index

<sup>۷</sup> UNDP (United Nations Development Program). "Human Development Report 2007/2008". At: [http://hdr.undp.org/en/media/hdr\\_20072008\\_en\\_complete.pdf](http://hdr.undp.org/en/media/hdr_20072008_en_complete.pdf) (Accessed: 2009-12-08)

<sup>۸</sup> World Bank. "World Development Indicators Database", April 2008. At: <http://ddp-ext.worldbank.org/ext/DDPOQ/report.do?method=showReport> (Accessed 2010-04-06)

<sup>۹</sup> Wikipedia. "Economy of South Korea".

At: [http://en.wikipedia.org/wiki/Economy\\_of\\_South\\_Korea](http://en.wikipedia.org/wiki/Economy_of_South_Korea) (Accessed: 2009-10-21)

ملل متحد، با کسب عدد ۹۲۹/، رتبه ی ۲۶ را در میان کشورهای جهان داشته است.<sup>۱۰</sup> (در سال ۲۰۰۶ امید به زندگی در کره جنوبی ۷۸ سال بوده است.<sup>۱۱</sup>) به طور کلی اگر چه اختلاف فاحشی از نظر تولید ناخالص داخلی (GDP (PPP وجود ندارد و کره جنوبی از این نظر در رتبه ۱۴ جهان و ایران در رتبه ۱۵-۱۸ قرار دارد،<sup>۱۲</sup> اما تولید ناخالص داخلی سرانه که به عنوان شاخص توسعه اقتصادی مطرح است تفاوت محسوسی را نشان می دهد. سایر شاخص ها نیز نشان دهنده تفاوت قابل توجه سطوح توسعه یافتگی دو کشور می باشند.

این اختلاف آشکار این سوال را در ذهن ایجاد می کند که کدام یک از عوامل رشد و توسعه اقتصادی در کره جنوبی وجود داشته اند حال آنکه شاهد وجود آن ها در ایران نبوده ایم. این پژوهش تلاش خواهد کرد تا با بررسی اطلاعات، آمار و شواهد موجود مشخص نماید چه عواملی در بروز تفاوت در سطح توسعه اقتصادی دو کشور ایران و کره جنوبی در فاصله دهه ۱۹۶۰ تا کنون بیشترین نقش را داشته اند.

### بررسی ادبیات و نظرات موجود:

در بررسی ادبیات موجود در خصوص موضوع مورد پژوهش با چند دسته از منابع روبرو هستیم:

- ۱- دسته ای از منابع شامل پژوهش هایی است که در دهه اخیر در ارتباط با پیوند سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی مطرح گشته اند. حاصل این پژوهش ها یافتن ارتباط بین این دو مفهوم به صورت

<sup>10</sup> UNDP (United Nations Development Program). "Human Development Report 2007/2008".

<sup>11</sup> World Bank. "World Development Indicators Database", April 2008.

<sup>12</sup> Wikipedia. "List of Countries by GDP (PPP)". At: [http://en.wikipedia.org/wiki/List\\_of\\_countries\\_by\\_GDP\\_\(PPP\)](http://en.wikipedia.org/wiki/List_of_countries_by_GDP_(PPP)) (Accessed: 2009-12-08)

مستقیم و غیر مستقیم بوده است. از جمله منابعی که این ارتباط را مد نظر قرار داده اند می توان به موارد زیر اشاره کرد<sup>۱۳</sup>:

یکی از مهمترین آثاری که به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پرداخته کتاب رابرت پاتنام (Robert Putnam) و همکارانش با عنوان The Role of Social Capital in

Development: An Empirical Assessment است. در این کتاب رابطه سرمایه اجتماعی (به عنوان نهاد ها و شبکه های ارتباطی بین مردمی که از طریق ایستارها، هنجارها و ارزش های مشترک گرد هم آمده اند) و توسعه اقتصادی در ده کشور مورد بررسی تجربی قرار گرفته است. بر مبنای این بررسی ها نقش غالب سرمایه اجتماعی در کاهش فقر و تسریع توسعه روستایی، تسهیل تدارک کالا و خدمات، تسهیل گذار سیاسی و خروج از منازعات داخلی مستند گشته است.<sup>۱۴</sup>

کتاب Social Capital and Economic Development نوشته پتریک فرانسوا (Patrick Francois) منبع دیگری است که تلاش می کند چارچوبی نظری برای ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه ارائه دهد. فرانسوا در این کتاب با مطرح کردن اعتماد به عنوان مهمترین فاکتور فرهنگی

---

<sup>۱۳</sup> نحوه ورود مفهوم سرمایه اجتماعی به مطالعات اقتصادی و سیر شکل گیری نظریه پیوند سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی بر مبنای آثار منتشره از سوی اندیشمندان این حوزه به تفکیک محققان در بخشی تحت عنوان "نظریات مطرح شده در ارتباط با پیوند سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی" با تفصیل بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است. (مراجعه کنید به: بخش دوم/ کلیات)

<sup>۱۴</sup> Robert Putnam, Christiaan Grootaert, Thierry van Bastelaer, The Role of Social Capital in Development: an Empirical Assessment (Cambridge: Cambridge University Press, 2002).

اثر گذار بر پدیده های اقتصادی، تاثیر آن را بر تسهیل تولید مدرن به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته مد نظر قرار داده است. پس از ارائه این چارچوب نظری تمرکز کتاب بر شکل گیری ترجیحات فردی به عنوان منبع قابل اعتماد بودن افراد بوده و در این جاست که تعامل متقابل تولید مدرن و اعتماد مورد توجه قرار گرفته است. اگر چه پرداختن به کشورهای در حال توسعه (در فصل سوم از این کتاب) در شرایطی که حجم عمده آثار موجود در رابطه با پیوند سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی بر پژوهش های انجام شده در اقتصادهای پیشرفته متکی است، از نکات قوت این اثر محسوب می شود اما در این جا نیز بررسی تجربی خاصی در رابطه با اقتصادهای در حال توسعه صورت نگرفته، بلکه پس از اشاره به ویژگی های خاص اقتصادهای کمتر توسعه یافته، نتایج پژوهش های قبلی به این کشورها تعمیم داده شده است.<sup>15</sup>

منبع دیگر در این رابطه مقاله مایکل وولکاک (Michael Woolcock) با عنوان "Social Capital and Economic Development: Toward a Theoretical Synthesis and Policy Framework" است. وولکاک در این مقاله پس از ذکر مقدماتی راجع به مفهوم سرمایه اجتماعی و سابقه ذهنی این مفهوم، مسئله توسعه اقتصادی را از سطح خرد: پایین به بالا مورد توجه قرار داده و ضمن اشاره به موانع و فرصت های هر یک از مسیرهای توسعه (پایین به بالا و بالا به پایین) نقش سرمایه اجتماعی را در این رابطه مورد توجه قرار می دهد.<sup>16</sup>

<sup>15</sup> Patrick Francois, Social Capital and Economic Development :Fundamentals of Development Economics (London: Routledge, 2002).

<sup>16</sup> Michael Woolcock, "Social Capital and Economic Development: Toward a Theoretical Synthesis and Policy Framework", Theory and Society (Vol.27, 1998) pp.151-208.

فرانسیس فوکویاما (Francis Fukuyama) نیز در مقالات متعدد از جمله در مقاله ای با عنوان "Social Capital and Development: The Coming Agenda" پیوند سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را مد نظر قرار داده است. در این مقاله است که وی به تبیین ارتباط مستقیم و غیر مستقیم سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی می پردازد. اشاره وی به نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد دموکراسی که خود می تواند با افزایش مشروعیت دولت توان اعمال اصلاحات دردناک اقتصادی را از سوی دولت فراهم کند به عنوان طرحی برای پیوند غیر مستقیم دو مفهوم مورد نظر ما یعنی سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی حائز اهمیت است.<sup>17</sup>

بخش هایی از کتاب سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه نیز اشاراتی به ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی دارد. این کتاب به عنوان یکی از اولین آثار گرد آوری شده در رابطه با سرمایه اجتماعی به زبان فارسی اثری ارزشمند محسوب می شود، چنانکه حجم قابل توجهی از مقالات منتشر شده در رابطه با سرمایه اجتماعی در مجلات داخل کشور ارجاعات متعددی به این اثر (با ذکر و یا متأسفانه بدون ذکر منبع!) داشته اند. به طور خاص و در رابطه با توسعه فصلی از این کتاب با عنوان "سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه، پژوهش و سیاست" نوشته وولکاک و دیپا نارایان (Deepa Narayan) دسته بندی ای از دیدگاه های موجود درباره سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی ارائه می دهد. در بخش های دیگر نیز به صورت پراکنده این ارتباط مورد اشاره قرار گرفته است. در بخشی دیگر از این مجموعه چند

---

<sup>17</sup> Francis Fukuyama, "Social Capital and Development: The Coming Agenda", SAIS Review (Vol.XXII, No.1, Winter- Spring 2002) pp. 23-37.



مورد از مطالعات موردی انجام شده در رابطه با سرمایه اجتماعی (در روسیه، ایالات متحده، کانادا و مراکش) آمده است که البته هیچ یک پیوند آن را با توسعه به طور خاص مد نظر نداشته است.<sup>۱۸</sup>

همانطور که مشاهده شد در این منابع مطالعه موردی خاصی در مورد ایران و یا کره جنوبی صورت نگرفته است و از این نظر هیچ یک از این منابع به تنهایی پاسخگوی سوال اصلی مطرح شده در این پژوهش نیست.

۲- در مقابل، دسته ای دیگر از منابع وجود دارند که به طور خاص به بررسی وضعیت توسعه اقتصادی یکی از دو کشور ایران و کره جنوبی پرداخته اند. از جمله می توان به منابع ذیل اشاره کرد:

کتاب آسیب شناسی توسعه اقتصادی در ایران با تمرکز بر برنامه های توسعه اقتصادی در ایران در صدد معرفی موانع توسعه یافتگی ایران برآمده است. آمار و اطلاعات مختلف گردآوری شده در زمینه جرائم و فساد اداری در ایران به عنوان موانع توسعه در کنار سایر عوامل حائز اهمیت می باشد. اگرچه می توان پیوند هایی را بین آسیب های مطرح شده در این اثر و فقدان سرمایه اجتماعی یافت با این حال نامی از "سرمایه اجتماعی" به عنوان مفهومی مجزا برده نشده است.<sup>۱۹</sup>

---

<sup>۱۸</sup> کیان تاجبخش (گردآورنده)، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، (تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۴).

<sup>۱۹</sup> غلامعباس مصلی نژاد، آسیب شناسی توسعه اقتصادی در ایران، (تهران: قومس، ۱۳۸۴).

عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران نوشته دکتر محمود سریع القلم کتاب دیگری است که در آن به بررسی موانع توسعه در ایران پرداخته شده است. در این کتاب با تمرکز بر ریشه های فرهنگی توسعه بر ضرورت توجه به فرهنگ و سرمایه گذاری فرهنگی تاکید شده است. آنچه تحت عنوان شخصیت مخالف توسعه در این کتاب مطرح شده شامل ابعاد است که می توان آن ها را از لحاظ مفهومی با فقدان سرمایه اجتماعی مترادف دانست هرچند که مستقیماً نامی از "سرمایه اجتماعی" برده نشده است. شخصیت قبیله ای، خلیقات استبدادی، عدم همکاری در کارهای گروهی و فقدان تلقی صحیحی از اجتماع، جامعه و جمع از جمله این ابعاد است. همچنین می توان با تسامح پیوند هایی بین مفهوم "تشکل اجتماعی" و "انسجام درونی" مطرح شده در این اثر به عنوان پیش شرط توسعه از یک سو و سرمایه اجتماعی از سوی دیگر یافت. با این وجود همانطور که اشاره شد سرمایه اجتماعی به عنوان مفهومی مجزا مورد توجه این اثر نبوده است. علاوه بر این هدف و شیوه نگارش این مجموعه با هدف (مقایسه ایران و کره جنوبی) و شیوه (مقایسه موردی) نگارش پژوهش ما در اینجا متفاوت است.<sup>۲۰</sup>

یکی از آثاری که وضعیت توسعه اقتصادی کره جنوبی را مورد توجه قرار داده است کتاب رشد و توسعه اقتصادی در کره جنوبی نوشته لی گون یانگ است. یانگ در این کتاب ضمن اشاره به نقش دولت در روند منتهی به توسعه اقتصادی کره به برخی ویژگی های فرهنگی و اجتماعی

---

<sup>۲۰</sup> محمود سریع القلم، عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، (تهران: مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۲).

این کشور پرداخته است. اطلاعات ارائه شده در این اثر مورد استفاده قرار گرفته است با این حال در این اثر نیز سرمایه اجتماعی مورد توجه نبوده است.<sup>۲۱</sup>

کتاب دیگری که در این زمینه مطرح است Korea: A Case of Government-Led

Development می باشد. نویسنده در این کتاب پس از پرداختن به ویژگی های اقتصاد کره و

اهمیت مدیریت اقتصادی، سیاست های صنعتی این کشور و سیر تحولات آن را مورد بررسی

قرار می دهد. در ادامه به نقش نهادها: دولت و بوروکراسی، تجارت و کمپانی ها و عوامل

نامحسوس در سیاست ها می پردازد.<sup>۲۲</sup>

همانطور که مشاهده شد اگرچه این منابع اطلاعات مناسبی از وضعیت توسعه اقتصادی در دو کشور

ارائه داده و در صدد یافتن علل و موانع توسعه بوده اند اما هیچ یک بررسی مقایسه ای ایران و کره

جنوبی را از حیث توسعه اقتصادی مد نظر نداشته اند. علاوه بر این در هیچ یک از این منابع نقش سرمایه

اجتماعی به طور خاص، در توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار نگرفته است.

۳- دسته سومی از منابع را نیز می توان شناسایی کرد که به طور خاص مقایسه ایران و کره جنوبی را از

منظر توسعه مد نظر داشته اند با این وجود به نقش سرمایه اجتماعی در توسعه نپرداخته اند. از آن

جمله می توان به آثار زیر اشاره کرد:

---

<sup>۲۱</sup> لی گون یانگ، رشد و توسعه اقتصادی در کره جنوبی، ترجمه و تلخیص مرتضی سلطان پور ایبانه، (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶).

<sup>۲۲</sup> Kihwan Kim, Danny M Leipziger, Korea: A Case of Government-Led Development. (Washington, D.C. : World Bank Publication, 1993). Available at:

[http://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=G33jcRlZgQUC&oi=fnd&pg=PP9&ots=9NqMtb0VfU&sig=Nb5A8OmOifsdhq68SgEFxPno\\_oE#PPP4,M1](http://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=G33jcRlZgQUC&oi=fnd&pg=PP9&ots=9NqMtb0VfU&sig=Nb5A8OmOifsdhq68SgEFxPno_oE#PPP4,M1)

کتاب بررسی مقایسه ای توسعه اقتصادی در ایران و کره جنوبی (۱۳۵۷-۱۳۴۱) نوشته محمد امجد ضمن اشاره به برنامه های توسعه اقتصادی کره جنوبی (۷۹-۱۹۶۳)، (با تاکید بر نقش رهبران این کشور در توسعه آن)، عواملی همچون توجه به نقش آموزش و پرورش، اتخاذ سیاست های مناسب اقتصادی، توجه به رابطه صحیح بین دولت و بخش خصوصی، کمک های مستقیم دولت به توسعه صنایع، دادن اولویت به شرکت های بزرگ، مدیریت کارآمد و توانایی انعطاف، توجه به تجربه دیگر کشورها و نهایتا جذب سرمایه های خارجی را در توسعه این کشور مورد توجه قرار داده است. در مقابل از عدم توجه کافی به آموزش، اتخاذ سیاست های نامناسب (از جمله عدم توجه به صنایع کاربری)، وابستگی به درآمد نفت و عدم احساس اولویت برای جذب سرمایه خارجی (که می تواند تکنولوژی به همراه داشته باشد)، ضعف مدیریت، مشکلات فرهنگی و ... به عنوان عوامل ناکامی ایران در دستیابی به اهداف توسعه خود یاد می کند. در این کتاب به رغم اشاره به برخی جنبه های فرهنگی، سرمایه اجتماعی به طور خاص مورد توجه قرار نداشته و مقایسه ای از این نظر بین دو کشور صورت نگرفته است.<sup>۳۳</sup>

از جمله پایان نامه هایی که مقایسه توسعه اقتصادی در ایران و کره جنوبی را مد نظر قرار داده اند نیز می توان به پایان نامه کارشناسی ارشد داوود گودرزی با عنوان استراتژی های توسعه اقتصادی (مطالعه موردی ایران و کره جنوبی) در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران اشاره کرد. این اثر ضمن اشاره به نقش شرکت های چندملیتی و سرمایه گذاری خارجی در کنار

---

<sup>۳۳</sup> محمد امجد، بررسی مقایسه ای توسعه اقتصادی در ایران و کره جنوبی (۱۳۵۷-۱۳۴۱)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.